

بررسی نسخه خطی قانون نظامیه

مسعود دادبخش¹

تاریخ دریافت: 1397/01/15
تاریخ پذیرش: 1397/03/05

از صفحه 49 تا 68

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ نظامی
سال پنجم، شماره شانزدهم، بهار 1397

چکیده

نسخه خطی قانون نظامیه در سال 1270 قمری، به قلم حسنعلی افشار به رشته تحریر در آمده است. نویسنده کتاب تلاش دارد تا با استفاده از روش‌ها و فنون رایج در مدارس نظامی اروپایی، قاعده و قانونی برای مدارس نظامی ایران تدوین نماید. از همین رو در بخش‌هایی از کتاب به بررسی آداب و شرایط مدرسه در باب اسکان، پوشاک و خوراک محصلین و طریقه ریاست و نظارت بر مدرسه می‌پردازد. همچنین در فصولی دیگر از کتاب، تعداد نفرات پیاده‌نظام، سواره‌نظام و افواج توپخانه، طریقه پرداخت مواجب و مبلغ حقوق سربازان و صاحب‌منصبان نظام و طریقه آرایش جنگی و اردوهای نظامی و حتی چگونگی انتخاب و انتصاب صاحب‌منصبان برای پست‌های کلیدی مانند حکمرانی بر ایالات مرزی را بیان می‌دارد. مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که دلیل تدوین این کتاب چه بوده؟ و میزان اثرگذاری آن در انتظام ساختار مدرسه نظامی در ایران تا چه حد می‌باشد؟

آن‌طور که از بررسی‌های صورت گرفته می‌توان فهمید هدف اصلی از تدوین این کتاب انتظام امور مربوط به مدارس نظامی و کاهش آشفتگی و بی‌نظمی این مدارس بود و این کتاب اگرچه به‌صورت تام و کامل نتوانست مشکلات مدارس نظامی در ایران را حل کند، لیکن شناخت بسیار جامعی از ساختار نوین آموزشی در مدارس معتبر نظامی جهان را برای متولیان امر به وجود آورد.

کلید واژه‌ها

قانون نظامیه، حسنعلی افشار، مدرسه نظامی، ناصرالدین‌شاه.

1- دکترای ایران دوره اسلامی- دانشگاه خوارزمی و مدرس دانشگاه علمی کاربردی dadbakhsh.masoud@gmail.com

1- مقدمه

تشکیل مدارس و انجام آموزش‌های نظامی در ایران سابقه‌ای طولانی داشته و قدمت آن به دوران حکومت‌های پیش از اسلام به‌ویژه حکومت‌های هخامنشی و ساسانی بازمی‌گردد (علی بابائی، 1382: 28-32). با ورود اعراب به ایران و تشکیل حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل مسلمان در کشور، واژه‌ها و مفاهیمی چون جهاد و شهادت در راه دین و امت به دایره تفکرات نظامی ایرانیان افزوده شد و بستر مناسبی برای انجام آموزش‌های نظامی در میان مردم به وجود آمد. به تدریج مدارس نظامی در گوشه و کنار کشور تشکیل شدند، لیکن فنون و شیوه‌های آموزشی آن‌ها تا زمان اختراع توپ و سلاح‌های گرم تغییرات چندانی به خود ندید.

با اختراعات و ابتکارات جدید نظامی در شیوه‌ها و فنون جنگی تغییرات زیادی به وجود آمده و ارتش ایران که زمانی به‌عنوان یکی از قدرتهای مهم نظامی جهان به شمار می‌رفت، به دلیل عقب ماندن از این سیر پیشرفت، به تدریج تضعیف شد. شکست‌های پی‌درپی ارتش ایران در دوران قاجار سبب شد که دولت‌مردان ایرانی همچون عباس میرزا، قائم‌مقام و امیرکبیر بیش‌ازپیش به اهمیت نوسازی ساختار ارتش کشور پی برده و از طریق اعزام محصل به خارج از کشور، استخدام معلمان خارجی، تأسیس مدارس نظامی و استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای نظامی نوین اروپایی سعی در اصلاح آن داشته باشند (دروویل، 1348: 198؛ شمیم، 1378: 78؛ هوشنگ مهدوی، 1375: 255). در دوران صدارت امیرکبیر، اهمیت اصلاح ساختار نظامی تا حدی مورد توجه قرار گرفت که شعبه‌های پیاده‌نظام، سواره‌نظام و تاکتیک نظامی مدرسه دارالفنون 8 ماه پیش از افتتاح رسمی مدرسه شروع به کار کردند (یغمایی، 1355: 171) و ریاست مدرسه دارالفنون به غیر از یک دوره یک‌ماهه، شش سال در اختیار افسران و صاحب‌منصبان نظامی بود (فلاحی و رحیمی، 1392: 55؛ رینگر، 1381: 92) که همین نکته میزان توجه دولت‌مردان ایرانی به مقوله آموزش نظامی را نشان می‌دهد.

نسخه خطی قانون نظامیه در سال 1270 قمری برای استفاده در مدارس نظامی جدید و با الگوبرداری از شیوه‌های آموزشی نوین اروپایی به رشته تحریر درآمده است و از نظر زمانی از نزدیک‌ترین کتاب‌های نظامی موجود به دوره تشکیل مدرسه دارالفنون

است. در کتاب قانون نظامیه به‌طور جامع و کامل با آداب، رسوم و قواعد مدارس نظامی نوین در عهد ناصری آشنا می‌شویم؛ از همین رو این نسخه منبع ارزشمندی برای شناخت قوانین مدارس نوین نظامی در کشور می‌باشد. سؤالی که در اینجا پیش می‌آید آن است که دلیل تدوین این کتاب توسط حسنعلی افشار چه بوده است؟ و میزان اثرگذاری آن در انتظام ساختار مدرسه نظامی در ایران تا چه حد می‌باشد؟

آن‌طور که از بررسی‌های صورت گرفته می‌توان فهمید هدف اصلی از تدوین این کتاب انتظام امور مربوط به مدارس نظامی و کاهش آشفتگی و بی‌نظمی این مدارس بوده و این کتاب اگرچه به‌صورت تام و کامل نتوانست مشکلات مدارس نظامی در ایران را حل کند لیکن شناخت بسیار جامعی از ساختار نوین آموزشی در مدارس معتبر نظامی جهان را برای متولیان امر به وجود آورد. در این پژوهش تلاش شده است که با روشی توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای دلایل نگارش کتاب و ساختار آن مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد.

2- دلایل اهمیت موضوع

کتاب قانون نظامیه مصادف با سال‌های ابتدایی تأسیس مدرسه دارالفنون به رشته تحریر درآمده است و یکی از اولین کتاب‌های نظامی نوین در ایران به شمار می‌رود. از همین رو مطالعه و شناخت آن خواننده را با ساختار نظامی سنتی و مدرن ایران در دوران پیش و پس از تأسیس مدارس نظامی جدید در دوران ناصرالدین‌شاه آشنا کرده و اطلاعات نسبتاً جامع و کاملی درباره ساختار نظامی ایران و قوانین نظامی تدوین‌شده در آن دوران در اختیار ما قرار می‌دهد.

3- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعدد و مختلفی در زمینه تاریخ ارتش و آموزش‌های نظامی در ایران صورت گرفته است.¹ باوجود این تنها در برخی از این پژوهش‌ها درباره کتاب قانون

1- برای مشاهده این دست‌کتاب‌ها و مقالات نگاه کنید به: میرحسین یکرنگیان (1384). سیری در تاریخ ارتش ایران (از آغاز تا پایان شهریور 1320). تهران: خجسته؛ غلامرضا علی بابایی (1382). تاریخ ارتش ایران (از هخامنشی تا عصر پهلوی). تهران: انتشارات آشیان. الهام ملک‌زاده، مسعود دادبخش «مدارس نظامی نوین ایران»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال پنجم، شماره نوزدهم، بهار 1392، صص 310-315.

نظامیه به صورت مستقیم صحبت شده است. نگارنده این مقاله در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد خود به تصحیح این کتاب پرداخته است.¹ حوریه سعیدی دریکی از بخش‌های مقاله «معرفی نسخه‌های خطی تاریخی (بخش اول) رسایل نظامی» در 7 صفحه به بررسی نسخه خطی قانون نظامیه پرداخته (سعیدی، 1381: 326-332) و در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «آموزش در ایران (دوره قاجاریه) بر اساس کتاب‌های آموزش خطی و چاپ سنگی» در کمتر از یک صفحه توضیحاتی را هرچند مختصر درباره رساله مورد بحث ارائه می‌دهد (سعیدی، 1387: 17). وی در مقالات خود بیشتر به صورت تیتروار به معرفی سرفصل‌های کتاب قانون نظامیه پرداخته و از ارائه توضیحات بیشتر و انجام بررسی‌های محتوایی خودداری نموده است.

4- درباره کتاب و نویسنده آن:

این کتاب به شماره ثبت 609 ف و شناسه 1693277 در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران موجود می‌باشد. قانون نظامیه، به همت حسنعلی افشار فرزند فرج‌الله خان و نوه عسکرخان افشار ارومی به تحریر درآمده و به ناصرالدین‌شاه قاجار اهدا شده است. آن‌طور که از صفحه شناسه این کتاب مشخص است، کار نگارش آن در 21 محرم 1270 قمری، به اتمام رسیده است.

شخصیت حسنعلی خان افشار تا حدود زیادی ناشناخته باقی مانده است. آن‌طور که از نوشته‌ها و منابع آن دوره برمی‌آید وی در ابتدا از پیش خدمتان خاصه² ناصرالدین‌شاه قاجار بوده است (افشار، 1383: 11). در سال 1266 قمری در خلال یک مأموریت اداری به لرستان و خوزستان، اقدام به نوشتن سفرنامه و اهدای آن به شاه قاجار نمود (همان: 12-13). در سال 1268 قمری پدر وی فرج‌الله خان افشار درگذشت و هزینه‌های مربوط به مراسم تدفین وی از سوی ناصرالدین‌شاه قاجار پرداخت شد (حبیل‌المتین، 1268 قمری، نمره 54: ص 1). در محرم سال 1270 قمری رساله قانون نظامیه به

1- نگاه کنید به: مسعود دادبخش، (1390)، مدارس نظامی در ایران بر پایه نسخه خطی حسنعلی افشار (قانون نظامیه)، به راهنمایی دکتر الهام ملک‌زاده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد شهرری.

2- پیشخدمتی در درجه دوم از مشاغل نسبتاً محترم به شمار می‌آمد و نردبان ریاست‌های بزرگ و حکومت‌های ایالات، ولایات و حتی صدارت محسوب می‌شد. در زمان ناصرالدین‌شاه توجه اعیان و اشراف به این شغل افزایش یافته و به تدریج جنبه عنوان پیدا کرد تا حدی که شاهزاده‌ها نیز به انجام این کار رغبت زیادی نشان می‌دادند. عبدالله مستوفی (1388)، شرح زندگانی من، ج 1، چاپ ششم، تهران: زوار، ص 390.

همت او به رشته تحریر درآمد و در همان سال از سوی شاه قاجار به سرپرستی ایل شکاک ارومی منصوب گردید. در سال 1271 قمری ناصرالدین شاه سرهنگی فوج اردبیل و مشکین را به وی سپرده و در سال 1278 قمری به جایگاه سرتیپی و لقب و منصب ژنرال آجودانی ارتقا پیدا کرد. افشار در سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا در سال 1290 قمری از همراهان شاه بوده و پس از بازگشت شاه از اروپا، در 18 شعبان همان سال به حکومت اردبیل، مشکین و ریاست ایلات شاهسون آن نواحی منصوب گردید و سرانجام در سال 1303 قمری در تبریز درگذشت (اعتمادالسلطنه، 1363، ج 3: 1755، 1771، 1872، 1940، 1948، بامداد، ج 5: 72).

در ابتدای «سفرنامه لرستان و خوزستان» یادداشتی درباره حسنعلی افشار به چشم می خورد که به احتمال زیاد از آن ناصرالدین شاه قاجار باشد. او می نویسد: «این کتاب را حسنعلی خان افشار پیشخدمت، که مأمور بردن خلعت لرستان و خوزستان بود، حسب الحکم به رسم روزنامه نویسی نوشته است. پُربر ننوشته است، به قدر وسع خیال خودش نوشته است. صورت شهر دزفول را هم کشیده اما در عکاسی چندان سررشته ندارد. زبان انگلیسی را هم می گوید خوب حرف می زنم اما من تجربه کرده ام یک قدری می تواند تکلم نماید. دهنش بوی زیادی می دهد، رنگش هم مایل به صفراوی است، بینی بسیار بزرگی دارد. ابروی سیاهی، پریشم، چشم های دریده درشت دارد. لباس نظامی می پوشد، ریشش را می تراشد، اما سبیل دارد. قدش هم نه کوتاه است نه بلند. خلاصه امروز در روز چهارشنبه 12 ماه جمادی الاول است سال 1266، این کتاب را در توی باغ دیوان خانه... به حضور آورد.» (افشار، 1383: 12). نکته جالب آن که طبق نوشته های مهدی بامداد حسن علی افشار شباهت بسیار زیادی به ناصرالدین شاه قاجار داشته است (بامداد، همان).

5- ویژگی‌های ظاهری

تعداد صفحات کتاب 104¹، نوع خط آن شکسته نستعلیق و نوع قطعش وزیری می‌باشد. کتاب دارای جلدی مقوایی و روکشی از تیماج² سیاه است و سرلوحه متن، تصویر شیر نشسته با پرچمی در دست می‌باشد. سرفصل‌ها در وسط صفحه نوشته شده و پایان کتاب دارای چندین نقشه نظامی است.

6- موضوعات مطرح شده در کتاب

کتاب با بخشی تحت عنوان ملحقّات و مقدمات آغاز می‌شود که شامل داستان‌هایی از جنگ‌های پادشاهان، کلمات، اندرزها و کارهای مهم آنان می‌باشد. در ادامه چهارفصل درباره قواعد و قوانین پذیرش محصل و شیوه‌های آموزشی مدرسه، قوانینی درباره آداب زندگی در مدرسه، انتظام پیاده و سواره‌نظام و همچنین طریقه پرداخت مقرری و مواجب به ایشان و آدابی درباره مأموریت صاحب‌منصبان عالی‌رتبه کشور به مناطق مرزی و شیوه‌های حکومت کردن ایشان می‌باشد. در انتهای کتاب (در بخش خاتمه) نویسنده به بیان قوانینی درباره جمع‌آوری و احضار لشکریان و تهیه آذوقه و مهمات و سایر ملزومات ایشان در هنگام جنگ می‌پردازد و دو نقشه را درباره نوع چیدمان سواره‌نظام و پیاده‌نظام در هنگام نبرد به تصویر می‌کشد.

7- انگیزه نگارش کتاب

کتاب در سال 1270 قمری، مصادف با سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (1264-1313 قمری) و صدر اعظمی میرزا آقاخان نوری (1268-1275 قمری) به نگارش درآمد. است که در این زمان، نزدیک به دو سال از قتل میرزا تقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) و تأسیس مدرسه دارالفنون می‌گذشته است.

ایران در سال‌های قبل، بار چندین شکست و معاهده را بر دوش خود کشیده و این شکست‌ها باعث گردیده که برخی دولت‌مردان مانند عباس میرزا، امیرکبیر و ... به خود

1- 103 صفحه متن کتاب و 1 صفحه ابتدایی صفحه معرفی آن است. ضمناً شماره صفحات کتاب تا 100 می‌باشد و دلیل آن این است که شماره صفحات 57 تا 59 به اشتباه دو بار بالای صفحات درج شده‌اند.

2- تیماج ترکی، چرمی رنگین است که بویی خوش دارد و آن را بلغار و آدیم نیز گویند. پوست گوسفند دباغی شده. (دهخدا)

آمده و برای انجام اصلاحات اساسی در ساختار ارتش احساس نیاز کنند. وجه اشتراک دیدگاه آنان درباره علل شکست‌های ایران نداشتن ارتش ثابت، منظم و تعلیم دیده بود و از همین رو همگی آنان سعی در انتظام امور نظامی کشور داشتند. حسنعلی افشار نیز تمامی مشکلات ایران را در آن روزگار نداشتن ارتش ثابت و منظم و مدارس به سبک و سیاق اروپایی در تعلیم افراد می‌دانست و اعتقاد داشت که با انتظام امور نظام مشکلات کشور به‌مرور زمان مرتفع می‌گردد: «چون در این عهد همایون پیشنهاد خاطر مبارک آن است که کافه اهل ایران در تحصیل انواع صنایع بدیعه و علوم غربیه خاصه در علوم نظامی که رونق دولت و شکوه ملت به تکمیل آن منوط و مربوط است، سعی بلیغ اهتمام تمام به عمل آورند» (افشار، 1270 ه ق: 24 - 25).

افشار در این کتاب سعی کرده است که با بیان حوادث تاریخی و زدن مثال‌هایی از خاطرات نبردهای جهان‌گشایان بزرگ، سخنان و نصایح ایشان مانند ناپلئون، پترکبیر، شارل دوازدهم، امیر تیمور گورکانی و ...، اهمیت سپاه منظم و تعلیم دیده را بیان کرده و نقش آن را در پیروزی و شکست و حتی پیشرفت و پسرفت کشورها بسیار پررنگ‌تر از سایر مسائل می‌داند.

8- منابع مورد استفاده در کتاب

در این کتاب از برخی قوانین نظامی مقرر در سایر کشورها از قبیل روسیه، سوئد و ... استفاده شده که نگارنده با شاخ و برگ دادن به مطالب مذکور تلاش نموده است تا تحولات حوزه نظامی ایران را رنگ و لعابی ایرانی و در عین حال اسلامی دهد. حسنعلی افشار از خاطرات پدر بزرگ خود عسکرخان افشار (سفیر ایران در دربار ناپلئون) نیز استفاده کرده و آن‌ها را در غالب تمثیل بیان نموده است (همان: 13-14). وی همچنین از کتاب تزوکیات امیر تیمور گورکانی و نظرات وی درباره روش‌های حکومت‌داری و انتظام سپاه نیز در قالب دوازده فقره استفاده کرده است (همان 17-20).

حسنعلی افشار برای برخی از آداب و مقررات پیشنهادی، اشاره‌ای به منابع اخذ شده آن، به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم نکرده است. هرچند با توجه به رنگ و بوی فرهنگی‌مآبانه آن می‌توان حدس زد که این آداب و مقررات پیشنهادی حاصل مشاهدات و تحقیقات وی درباره مدارس نظامی اروپایی باشد. همچنین در بیان روایات جنگی بین

کشورهای اروپایی و بیانات و خاطرات و رفتار و منش امپراتوران و پادشاهان معروف، منبعی را ذکر نموده و به احتمال قریب به یقین، این مطالب کمی آغشته به افسانه هستند که با هدف استفاده از آنها برای تبیین بهتر موضوعات مطروحه در کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته‌اند.

9- سبک ادبی و نگارش:

کتاب دارای دو سبک نگارش متفاوت است:

1. سبکی ساده، بدون استفاده از کلمات دشوار و آرایه‌های ادبی پیچیده که برای بیان مسائل آموزشی مورد استفاده قرار گرفته و از این منظر سبک بسیار مناسبی می‌باشد.
2. سبک ادبی پر آرایه، مملو از واژگان و اصطلاحات (عربی - قرآنی) و کلمات و جملات پیچیده و القاب پرطمطراق که سبک غالب در دوره قاجار بوده است.

در قانون نظامیه، نویسندگان به تناوب از هر دو سبک مذکور استفاده نموده است. گاهی چنان بی‌تکلف و ساده به بیان قواعد و آداب مدارس پرداخته که حتی فردی با داشتن کمترین اطلاعات از روش‌ها و قواعد نسخه خوانی به راحتی متوجه آن می‌شود و گاه چنان بر سبیل استفاده از آرایه‌های ادبی و لغات و املاء نامأنوس می‌افتد که خواندن و فهم آن برای خوانندگان اهل فن نیز مشکل می‌شود.¹ به‌طور کلی حسنعلی افشار هرگاه که به بیان قواعد و آداب مدرسه نظامیه می‌پردازد، از نثری شیوا و خوانا استفاده نموده است که خواندن و فهم آن سهل و آسان می‌باشد. ولی هنگامی که در حال مقدمه‌چینی و اظهار ارادت نسبت به ناصرالدین شاه و توضیح مقدمات نظریه خود می‌باشد، به سبک دوم روی آورده و چنان در تطویل و زیبایی جمله می‌کوشد که گاهی اصل موضوع از یاد و ذهن خواننده خارج می‌شود. در مجموع متن قانون نظامیه به دلیل استفاده نویسندگان از دو نوع سبک نگارش، متن کسالت‌آوری نیست و به نظر می‌رسد که نویسندگان هرگاه که حس کرده فهم متن ثقیل و مشکل شده است، سعی در آرام کردن قلم نموده و متن را به حالت خوانا و ساده بازگردانده است.

1- به‌طور مثال صفحه 23 و 24 کتاب.

10- شرح فصول کتاب

ملحقات و مقدمات: این بخش شامل بیست و یک بیان می‌باشد. در این بخش نویسنده به اهمیت یادگار گذاشتن اثری از خود برای آیندگان می‌پردازد و این عمل را مختص به امپراتوران، سپهسالاران و افراد صاحب قدرت می‌داند. وی سلاطین را به دودسته تقسیم می‌کند: 1- دسته‌ای که فقط به فکر کشورگشایی هستند و 2- دسته دیگر که علاوه بر کشورگشایی به کشورداری نیز می‌پردازند و نوع دوم حکومت را مناسب می‌داند.

نویسنده در این بخش درباره اهمیت انضباط عمومی و اجتماعی در سایر کشورها، ساختار نظامی و تعداد سپاهیان آن‌ها و همچنین درباره علل پیشرفت و ترقی سایر کشورها اظهار نظر می‌نماید. وی علت وابستگی ایران به علوم و اختراعات کشورهای بیگانه را نداشتن آداب نظامی و ناکافی بودن تلاش برای تحصیل علوم می‌داند و شکوه حکومت‌ها را وابسته به این دو اصل بیان می‌کند. به عقیده وی پیشرفت و ترقی با «انتظام دولت و تربیت ملت» حاصل می‌شود. افشار برای بیان بهتر ارزش این دو اصل به نقل روایاتی از حکومت‌داری پادشاهان و امپراتوران مقتدر مانند ناپلئون، پترکیبر، شارل دوازدهم، نادرشاه افشار، تیمور گورکانی و ... می‌پردازد و علت موفقیت آنان را در این دو اصل می‌داند. وی در ادامه پیشرفت کشور ایران را منوط به چهار اصل اساسی می‌داند: 1. رواج شریعت 2. تربیت ملت 3. آسودگی رعیت 4. انتظام امور دولت. نکته جالب آن که افشار باوجودی که رواج شریعت را مهم‌ترین مرحله برای سعادت و پیشرفت یک کشور دانسته لیکن در صفحات دیگر کتاب کمتر اشاره‌ای به این موضوع نموده است.

فصل اول: قواعد و آداب مدرسه نظامیه

در فصل اول نویسنده نظرات خود را درباره آداب مدرسه نظامیه در قالب شانزده قاعده بیان می‌کند. آن‌طور که مشخص است وی سعی در تبیین و تلقین این دیدگاه دارد که با تشکیل مدارس مختلف، دولت در صنعت و علوم به خودکفایی و استقلال رسیده و دیگر مجبور به پرداخت هزینه بیهوده برای استخدام معلمان خارجی و اعزام دانشجو به خارج از کشور نخواهد بود. به عقیده وی می‌بایست از فرزندان حکام ولایاتی که سپاه سواره و پیاده‌نظام دارند، به ازای هر هزار سپاهی دو نفر را برای تحصیل در علوم نظامی و از فرزندان مستعد رعایا نیز برای تحصیل در علوم غیرنظامی مانند طب و داروسازی در

مدرسه بپذیرند و محل اقامت آنان نیز می‌بایست در داخل مدرسه باشد. آن‌طور که مشخص است افشار با آن‌که سعی در نوین‌سازی ساختار نظامی کشور دارد، همچنان به سنت‌های قدیمی پایبند بوده و فرزندان حکام ولایات مختلف را بیشتر از سایرین شایسته عضویت در مدارس نظامی می‌داند. به عقیده وی هدف از تشکیل مدرسه و صرف هزینه‌های زیاد، تعلیم و انتظام محصلان مدرسه بود، از همین رو می‌بایست یک صاحب‌منصب نظامی با درجه سرهنگی که در قواعد و آداب نظامی مهارت کامل داشت، به ریاست مدرسه انتخاب شده و نیابت وی در اختیار فردی با درجه سرگردی قرار گیرد. آنان برای جلوگیری از بی‌نظمی محصلان در ساعات فراغت از تحصیل، می‌بایست در منزلی جداگانه در همان مدرسه سکونت کنند. نائب رئیس در غیاب وی وظیفه سرپرستی دانش‌آموزان را بر عهده داشته و می‌بایست در روزهای تعطیل آنان را به تفریح در مناطق خارج از شهر ببرد. به عقیده نویسنده هرکدام از اهالی مدرسه می‌بایست موافق با منصب خود لباس به تن کنند و در لباس محصلین نیز تفاوتی قائل نشوند. همچنین برای دلگرمی و تشویق دانش‌آموزان باید هر وقت که یکی از آنان در تحصیل علوم لیاقت خود را ثابت کرد از وی با اهدای درجه‌ای پایین تقدیر شود.

افشار درباره آداب تغذیه افراد مدرسه نیز قوانینی را پیشنهاد می‌دهد. مدرسه می‌بایست دارای سالن غذاخوری بوده و طریقه چیدمان میز و ظروف غذا باید تحت نظارت یک ناظر مخصوص و کاملاً به سبک اروپایی باشد. افراد طبق منصب خود روی صندلی‌های مخصوص بنشینند و برای تشویق محصلین هر هفته یک بار رئیس کل قشون با لباس و حمایل به همراه تعدادی از صاحب‌منصبان نظامی با دانش‌آموزان نهار بخورند. طبق اعتقاد افشار، شخص ناصرالدین‌شاه نیز حداقل دو بار در ماه با همراهی صدراعظم و سایر بزرگان می‌بایست از مدرسه بازدید کرده و معلمین و دانش‌آموزان را مورد لطف خود قرار دهد. آن‌طور که از نوشته‌های روزنامه وقایع اتفاقیه برمی‌آید، رسم حضور پادشاه در میان محصلین مدرسه نظامی از ابتدای تشکیل مدرسه دارالفنون رایج بوده و حسنعلی افشار سعی در منظم نمودن این اتفاق داشت. ناصرالدین‌شاه با همراهی صدراعظم و صاحب‌منصبان نظامی بارها از تمرینات محصلان مدرسه نظامی بازدید نموده و آن‌ها را مورد تشویق و مرحمت خود قرار داده بود (وقایع اتفاقیه، 1268 قمری: نمره 171 ص 3؛ نمره 169 ص 1؛ 1270 قمری، نمره 162 ص 1).

فصل دوم: بیان قوانینی درباره انضباط سپاه

نویسنده در این فصل نظرات و قوانین پیشنهادی خود را، در قالب یازده قانون بیان کرده است. نویسنده انضباط نظام را بسته به نظر پادشاه می‌داند؛ زیرا به عقیده وی اگر افراد نظامی و غیرنظامی پادشاه را در این امر مُصر ببینند، در تحصیل علوم و آداب نظامی سعی زیادی خواهند کرد. درباره تعلیم و تمرینات نظامی هم مواردی را بیان می‌کند و اعتقاد دارد که: برای آمادگی سربازان لازم است که همیشه در حال تمرین باشند. به طوری که حتی شش ماه از مرخصی یکساله خود را باید در اردوی مرزی مشغول تعلیم و تمرین شوند. همچنین برای انتظام امور لشکر و دولت، قشون می‌بایست هرساله به دستور پادشاه در یکی از صحراهای خوش آب و هوا اردو زده و افواج زیادی را به آنجا احضار کنند و به تمرین و تحصیل قواعد نظامی بپردازند. قواعدی هم درباره جیره و مواجب سپاه بیان می‌کند؛ زیرا به عقیده وی، نرسیدن به موقع جیره و مواجب سپاه منظم را بی‌نظم می‌کند. پس می‌بایست مواجب سپاهیان را در هر حالتی به دست ایشان رساند، به طوری که حتی می‌بایست در هنگام مرخصی یکساله هم مواجب شش ماه به ایشان پرداخت شود تا به فکر خیانت نیفتاده و در راه دولت جان‌فشانی کنند. همچنین در رابطه با برخورد صاحب‌منصبان نظامی با زیردستان خود، اعتقاد دارد که رفتار آنان باید طوری باشد که زیردستان حکم ایشان را حکم پادشاه بدانند. صاحب‌منصبان باید همواره لباس نظامی به تن کنند، نباید در برابر زیردستان خود بخندند و همچنین نباید از جیره و مواجب زیردستان خود بدزدند تا زیردستان همواره از فرامین صاحب‌منصب پیروی کنند. آن‌طور که به نظر می‌رسد دزدی برخی صاحب‌منصبان نظامی از مواجب زیردستان خود تا حدی رایج بوده که نویسنده کتاب وادار به ذکر این موارد می‌شود.

افشار درباره اهمیت نشان و منصب معتقد است که امنای دولت می‌بایست در اعطای مناصب و نشان به افراد نظامی و لشکری دقت کنند تا کسی بدون لیاقت و زحمت به منصب و نشان نائل نگردد؛ زیرا صاحب‌منصب بی‌لیاقت در موقع لزوم و هنگام نبرد کارایی لازم را نخواهد داشت. همچنین افراد دیگر وقتی می‌بینند که منصب و نشان بدون تلاش و کوشش به دست می‌آید دست از تلاش برمی‌دارند از همین رو باید چنان منزلتی در دولت برای نشان و حمایل و صاحب آن قائل شد که همگی برای به دست آوردن آن در راه کشور جان‌فشانی کنند.

فصل سوم: درباره انتظام سواره نظام

در این فصل نویسنده نظرات خود را درباره سواره نظام در قالب شش قانون بیان می‌کند. به‌طور کلی وی اعتقاد دارد که سواره نظام کشور می‌بایست منظم و دارای سی هزار سوار گردد. به‌طوری که هر پنجاه نفر آن یک دسته و هر پانصد نفر، یک فوج را تشکیل دهند. حکومت ده هزار نفر از سواره نظام را اسب و لباس یک رنگ داده و تحت تعلیم قرار دهد و مابقی آنان را که دولت نمی‌تواند از پس هزینه تعلیمشان برآید برای کم نشدن شکوه دولت فوج بندی کنند. جیره و مواجب سواره نظام نیز مانند سپاه پیاده می‌بایست بانظم و قاعده و بی کم‌وکاست تحویل داده شود و در هنگام مرخصی یک سال شش ماه مواجب خود را دریافت کنند، اما مواجب صاحب‌منصبان سواره نظام می‌بایست از هم‌تایان پیاده نظام خود کمتر باشد؛ زیرا صاحب‌منصب پیاده نظام به هزار نفر و صاحب‌منصب سواره نظام به پانصد نفر سرپرستی می‌کند و در هنگام جنگ زحمت بیشتری را متحمل می‌شود.

آن‌طور که از منابع برمی‌آید ایرانیان آموزش سواره نظام را کار بسیار آسانی می‌دانستند و معتقد بودند که مردم ایران بالذات سوارکاران توانایی هستند (وقایع اتفاقیه، 1270 قمری، نمره 173/ص 2). از همین رو شاگردانی را که در زمینه‌های دیگر علمی و نظامی استعداد چندانی از خود نشان نمی‌دادند جزو شاگردان سواره نظام قرار می‌دادند (وقایع اتفاقیه، 1272 قمری، نمره 271/صص 3-4). آن‌طور که به نظر می‌رسد باوجود تمام قواعدی که توسط حسنعلی خان افشار تدوین شده، به دلیل توجه کمتر به آموزش‌های سواره نظام و عدم پرداخت مواجب آنان این بخش از قشون کمتر از سایر بخش‌ها دچار تغییرات اساسی گردید. ادوارد پولاک معلم مدرسه دارالفنون و پزشک مخصوص ناصرالدین شاه که این ایام را از نزدیک مشاهده کرده است در سفرنامه خود درباره سواره نظام ایران این‌گونه می‌نویسد: «[نمی‌رو معلم سواره نظام دارالفنون] ناگزیر می‌بایست با این عقیده ایرانیان که آن‌ها بهترین سوارکار و جنگاور جهان هستند و در نتیجه به تحصیل سواری و شمشیربازی نیازی ندارند مقابله کند. اصولاً چگونه می‌توان سواره نظامی منظم ایجاد کرد در صورتی که مزد به صورت نامنظم پرداخت می‌شود و سرباز برای تعلیف اسب خود ناگزیر از گرو گذاشتن سلاح و زین و برگ خود است؟» (پولاک، 1368: 218).

فصل چهارم: درباره مأموریت صاحب‌منصبان نظامی به جهت انتظام امور لشکر و کشور

در این فصل حسنعلی افشار در هفت قانون نظرات خود را بیان می‌دارد. وی اعتقاد دارد که برای انتظام امور لشکری و کشوری، کلیه امور مربوط به سپاه و رعیت در ممالک مرزی باید بر عهده یک نفر باشد تا از رواج نظام خان‌خانی جلوگیری شود، مخارج دولت و رعیت کم شود و روزبه‌روز به ترقی ملت و سپاه افزوده گردد. این فرد می‌بایست کاردان و صادق بوده و اهل رشوه و دزدی از مواجب زیردستان خود نباشد. وی می‌بایست در بزرگ‌ترین شهر آن ولایت اقامت کند. حکام شهرهای کوچک‌تر اطراف با آن که از طرف دولت انتخاب می‌شوند لیکن زیر نظر وی مشغول به کار شوند. درباره تربیت سپاه نیز به عقیده نویسنده می‌بایست هر ساله به دستور رئیس کل عساکر، همه صاحب‌منصبان در یکی از جاهای خوش آب‌وهوای مملکت خود، اردو زده و افواجی را که به مرخصی یک‌ساله رفته‌اند، پس از استراحت شش‌ماهه به تمرین و تعلیم مشغول بدارند.

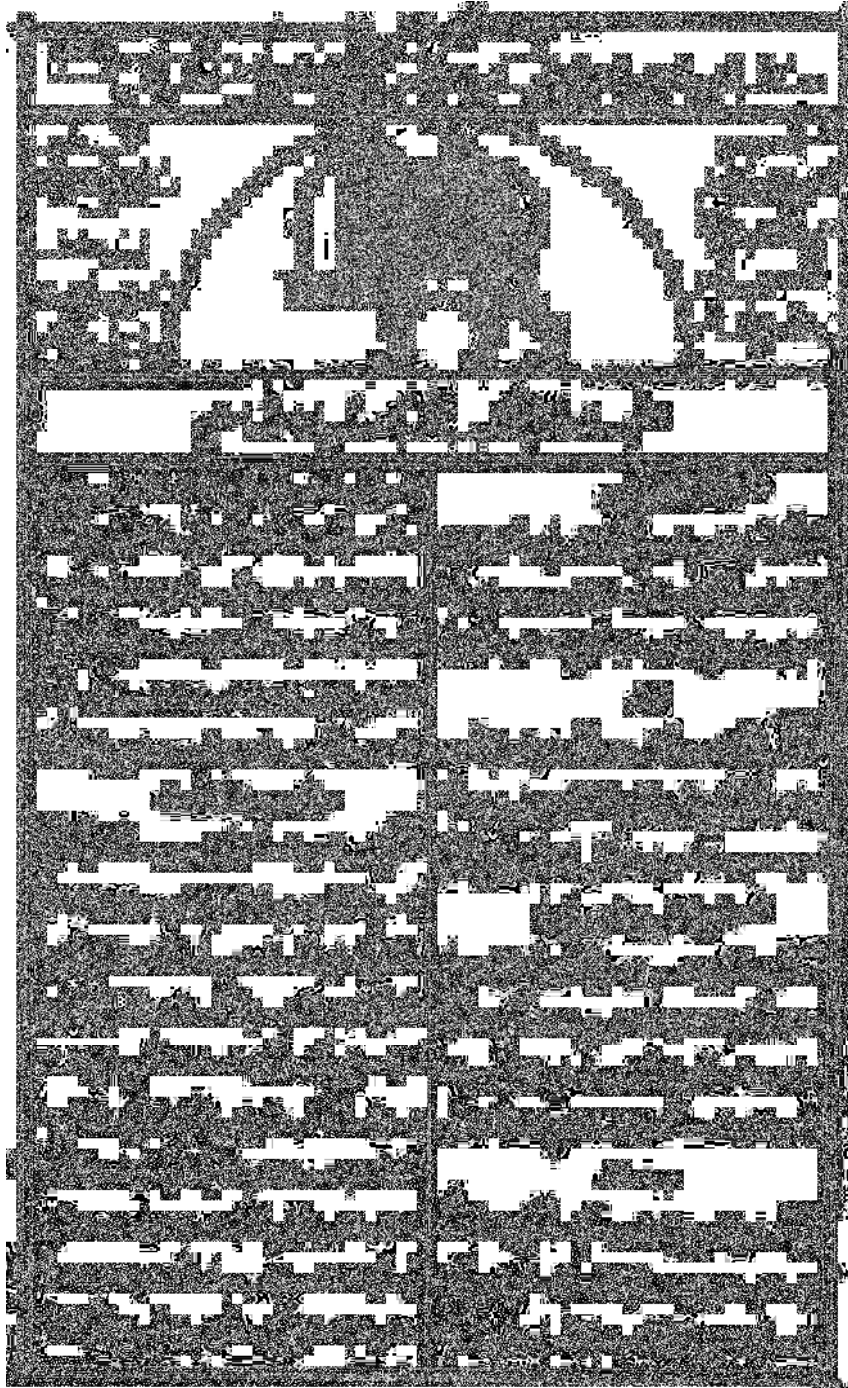
خاتمه: درباره اجماع لشکر و تهیه اوضاع آن هنگام لشکرکشی

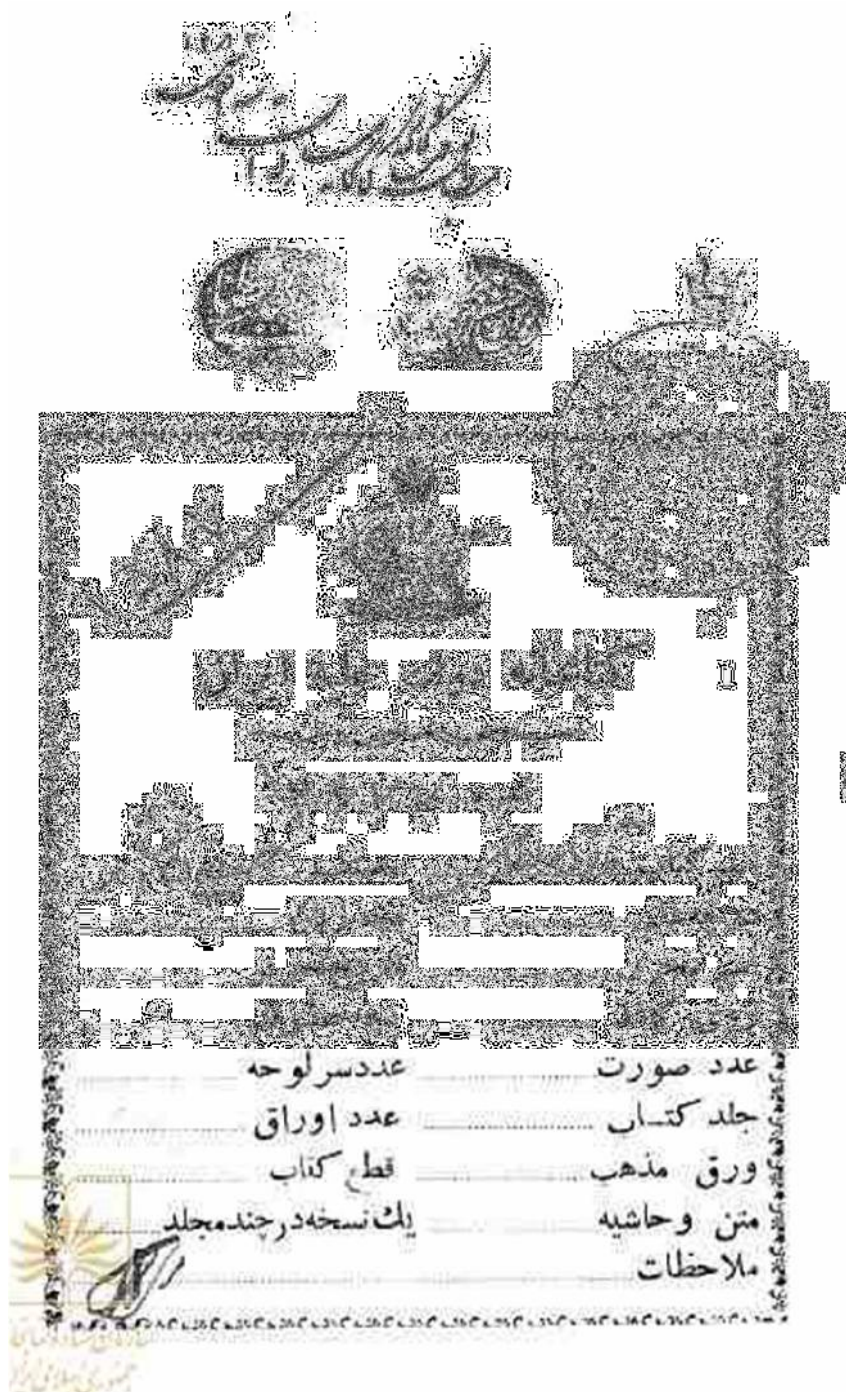
نویسنده این بخش را در قالب هشت قاعده بیان می‌کند. به اعتقاد وی پس از انتظام در امور لشکر و کشور، برای رواج شریعت و محک سپاه، پادشاه می‌بایست فرمان لشکرکشی به سمتی را صادر کند. در هنگام نبرد مهمات سه‌ساله و آذوقه دوساله صد هزار سپاه در شهرهای مرزی و در قلعه‌های محکم نگه‌داری شود. هم‌چنین وی اعتقاد دارد که حکومت باید از مدتی قبل از نبرد مکان‌های استراتژیک را انتخاب کرده و قلعه‌هایی محکم در آن‌ها بنا کنند و آذوقه و مهمات و ... به اندازه کافی در آن قرار گیرد و راه‌ها از پایتخت تا نقاط مرزی برای رساندن سریع مهمات و آذوقه در هنگام ضرورت، هموار گردند.

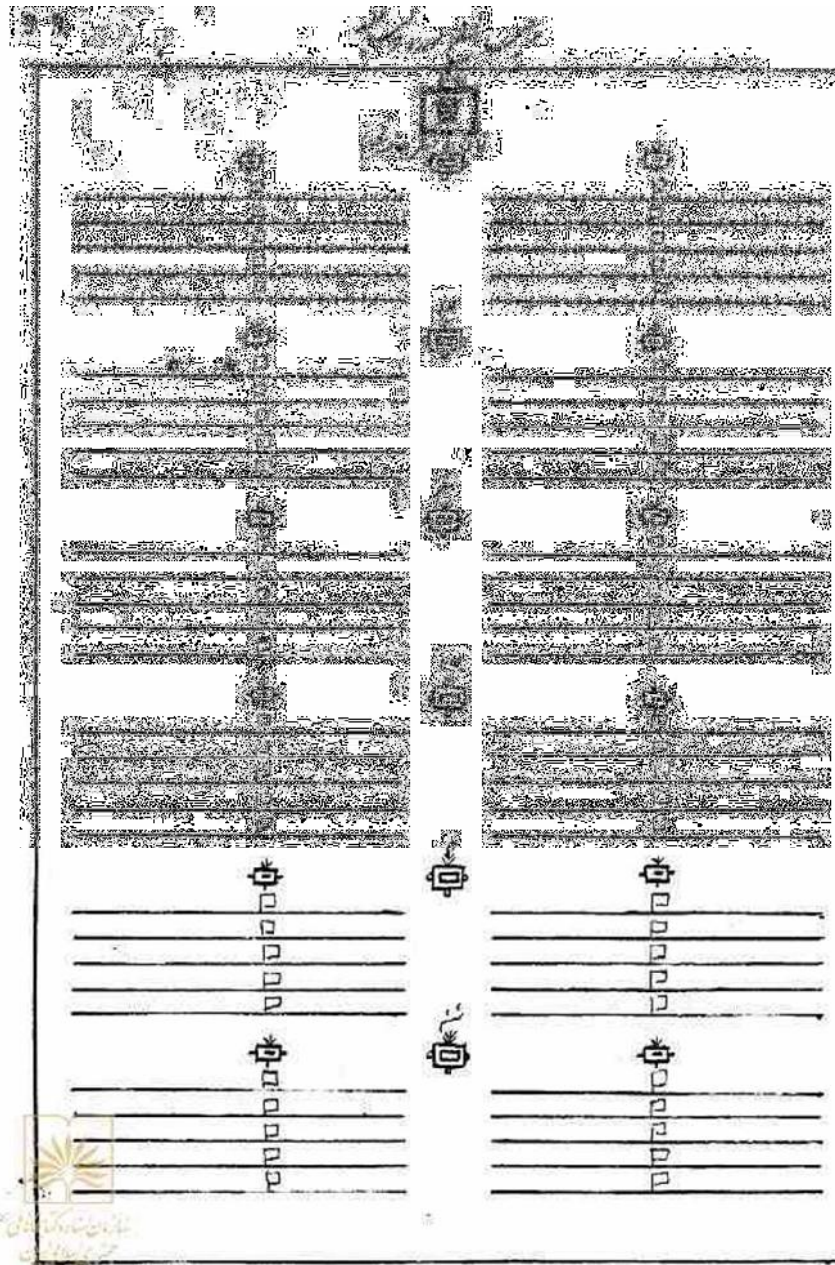
برای آمادگی در جنگ می‌بایست از دو سه سال قبل به تهیه ملزومات جنگ و زدن اردوهای هر ساله به‌قرار زیر بپردازند: اردوی اول در خط مقدم، اردوی دوم در بزرگ‌ترین شهر ولایت مرزی، اردوی سوم در بین پایتخت و اردوی قبلی و اردوی چهارم در پایتخت تا در هنگام ضرورت سپاه از اردویی به اردوی قبلی اعزام شود.

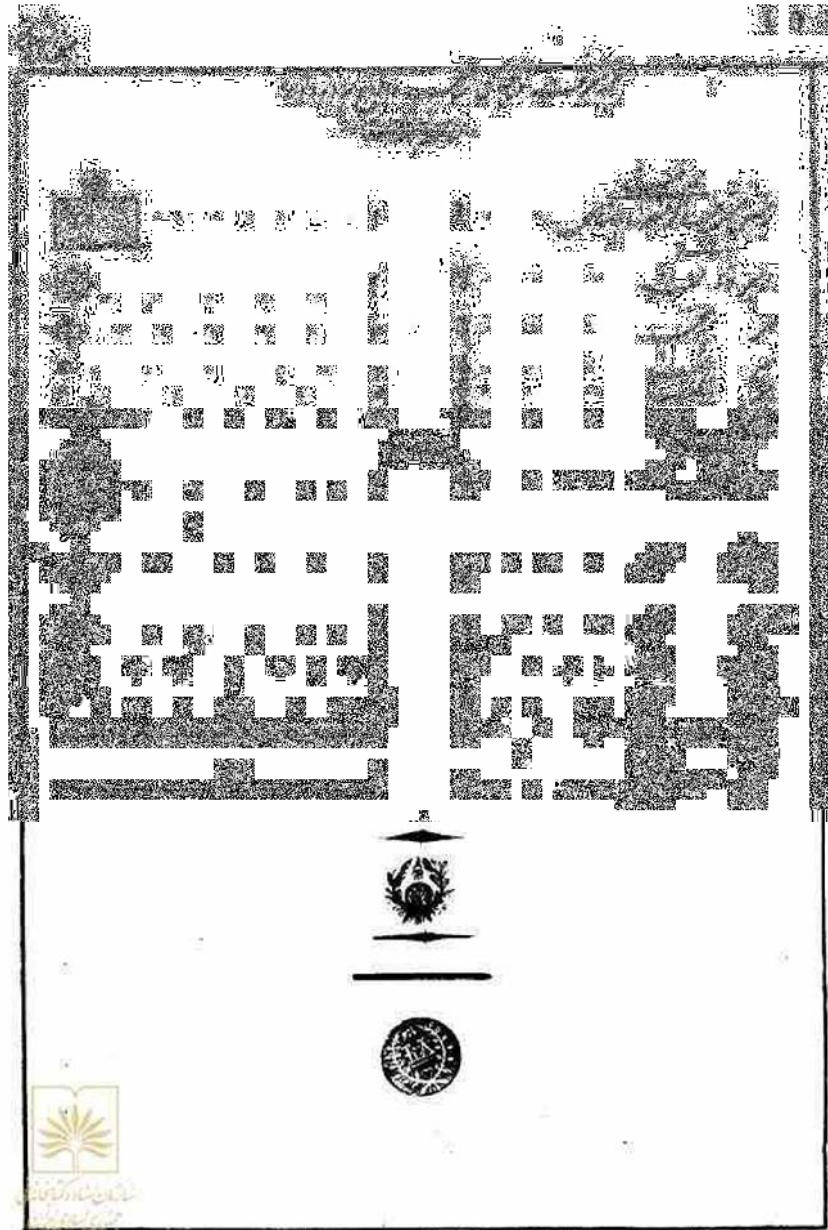
نتیجه‌گیری

آن‌طور که مشخص است، رشد روزافزون علم و دانش در سده‌های جدید به افزایش فاصله میان جامعه سنتی ایران و جوامع مدرن اروپایی منتج شد. از سوی دیگر با قدرت‌گیری حکومت قاجار در ایران و شکست‌های قشون ایران در برابر ارتش منظم روسیه، ضعف‌های ساختار نظامی سنتی ایران بیش از گذشته نمود پیدا کرد. از همین‌رو برخی از دولت‌مردان ایرانی اقدام به انجام اصلاحاتی در ساختار اجتماعی و نظامی کشور کردند که این اصلاحات در عهد ناصری به تأسیس مدرسه دارالفنون با هدف تغییر ساختار آموزشی کشور منجر شد. همان‌طور که مشخص شد هدف اصلی حکومت از انجام اصلاحات آموزشی، تغییر ساختار نظامی کشور و مدرن‌سازی ارتش ایران بود. از همین‌رو تعدادی از ملازمان و همراهان ناصرالدین‌شاه اقدام به نوشتن کتاب‌هایی در این زمینه نمودند. یکی از این افراد حسنعلی خان افشار ملقب به آجودان‌باشی بود. وی در سال 1270 قمری بر اساس قوانین نظامی اروپایی، مشاهدات و شنیده‌های خود اقدام به تدوین کتاب قانون نظامیه نمود. افشار در فصول مختلف این کتاب سعی دارد که آموزش‌های نظامی نوین را در ایران بر پایه آموزش‌های مدرن نظامی اروپایی تدوین نماید. از همین‌رو آداب غذا خوردن، لباس پوشیدن، تمرینات نظامی، جیره و مواجه صاحبان مناصب، طریقه استقرار سواره‌نظام و پیاده‌نظام و ... را در فصول مختلف این کتاب به رشته تحریر درآورده است. با تمام این اوصاف و با غور و بررسی منابع موجود مشخص می‌شود که برخی از قوانین و اصلاحات پیشنهادی وی در همان ایام به‌صورت نامنظم انجام می‌شدند و برخی دیگر نیز به‌طور کلی نادیده گرفته شده و با شکست مواجه شدند. به‌طور کلی کتاب قانون نظامیه و سایر نوشته‌هایی که در این ایام درباره اصلاح ساختار آموزشی و نظامی کشور به رشته تحریر درآمدند به دلیل نداشتن پشتوانه مطالعاتی و تحقیقاتی دقیق و تقلید کورکورانه از کشورهای پیشرفته اروپایی، به‌طور تام و کامل در کشور پیاده‌سازی نشده و با شکست مواجه شدند. هرچند که در کل باعث گشایش دریچه‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدیدی به دنیای مدرن گردیدند.









منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن صنیع‌الدوله (1363)، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، بی‌جا.
- افشار، حسنعلی خان (1382)، سفرنامه لرستان و خوزستان، افشار حسنعلی خان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (1270 قمری)، نسخه خطی قانون نظامیه، بی‌جا.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن 12 و 13 و 14 هجری، ج 5، تهران: زوار.
- پولاک، ادوارد (1368)، سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- دادبخش، مسعود (1390)، مدارس نظامی در ایران بر پایه نسخه خطی حسنعلی افشار (قانون نظامیه)، به راهنمایی دکتر الهام ملک‌زاده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد شهرری.
- دروویل (1348)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- رینگر، مونیکا (1381)، آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- سعیدی، حوریه «معرفی نسخه‌های خطی تاریخی (بخش اول) رسائل نظامی»، تاریخ معاصر ایران، زمستان 1381، شماره 24.
- _____ «آموزش در ایران (دوره قاجاریه) بر اساس کتاب‌های آموزش خطی و چاپ سنگی»، کتاب‌داری آرشیو و نسخه پژوهی، مطالعات ملی کتاب‌داری و سازمان‌دهی اطلاعات، زمستان 1387، شماره 76.
- شمیم، علی‌اصغر (1378)، ایران در زمان سلطنت قاجار، تهران: مدبر.
- علی بابایی، غلامرضا (1382)، تاریخ ارتش ایران (از هخامنشی تا عصر پهلوی)، تهران: انتشارات آشیان.
- فلاحی، اکبر، رحیمی، غلامحسین «دارالفنون و نقش و جایگاهش در آموزش علوم و فنون نوین نظامی در عصر ناصری»، تاریخ علم، دوره 11، بهار و تابستان 1392، شماره 1.
- مستوفی، عبدالله (1388)، شرح زندگانی من، ج 1، تهران: زوار.

- ملک‌زاده، الهام، دادبخش، مسعود «مدارس نظامی نوین ایران»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال پنجم، شماره نوزدهم، بهار 1392.
- وقایع الاتفاقیه، 21 ربیع‌الثانی 1268، نمره 54.
- _____، 27 شعبان 1270، نمره 173.
- _____، 4 شعبان 1272، نمره 271.
- _____، 21 شعبان 1268، نمره 71.
- _____، 5 شعبان 1268، نمره 69.
- _____، 9 جمادی‌الثانی 1270، نمره 162.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (1375)، روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران: امیرکبیر.
- یغمایی، اقبال، «دارالفنون»، ماهنامه آموزش و پرورش، دوره 46، آذرماه 1355، شماره 3.
- یکرنگیان، میرحسین (1383)، سیری در تاریخ ارتش ایران (از آغاز تا پایان شهریور 1320)، تهران: خجسته.